

Wort des Tages لغت روز bringen

bringen یک فعل می باشد

آوردن ، هدیه کردن ، آوردن و رساندن ، تسلیم کردن ، ارائه کردن ، عرضه کردن ، همراهی کردن ، بردن ، با خود بردن ، انتشار دادن ، به جای دیگری بردن ، حمل کردن ، فکر را به سمت چیزی سوق دادن ، به یاد آوردن ، به فکر چیزی انداختن همانطور که می بینید این فعل معانی زیادی به همراه دارد.

و اگر در حالت Reflexiv از آن استفاده شود ، آنگاه معانی زیر را میدهد:
کاری را به اتمام رساندن و پشت سر گذاشتن ، به پایان بردن ، ترقی کردن ، موفق شدن ، رشد کردن ، بالا رفتن ، پیشرفت کردن ، صاحب شدن ، مالک شدن ، قادر بودن ، جرات کردن

اما در این درس می خواهیم نگاهی کلی داشته باشیم به این فعل و همچنین کاربرد های مهم آن در جملات آلمانی

گذشته ساده : brachten

گذشته کامل : haben gebracht

کاربرد اول : چیزی را حمل کنیم ، چیزی را با خود ببریم

Die Ware ins Haus bringen

اجناس را به داخل خانه ببریم

اجناس را به داخل خانه حمل کنیم

Den Koffer zum Bahnhof bringen

چمدان را به ایستگاه قطارا ببریم

Die Kinder zu Bett bringen

بچه ها را به تخت خواب بردن

Die Kinder ins Bett bringen

بچه ها را در تخت خواب بردن

نکته : در اینجا اسم جمله ما به Akkusativ می‌رود.

پس در این حالت فعل bringen یک Akkusativ ساز است ، چون ما چیزی را با خود می ببریم ، چیزی را به همراه خود می ببریم ، چیزی را حمل میکنیم . درست همانند فارسی

کاربرد دوم : چیزی را برداریم و ببریم به کسی تحویل دهیم

Täglich das Essen bringen

روزانه غذا را ببریم و به کسی تحویل دهیم

Jemandem eine gute Nachricht bringen

به کسی یک خبر خوشی را رساندن

Der letzte Winter brachte uns viel Schnee

زمستان گذشته برای ما خیلی برف به همراه داشت

نکته : همانطور که ما در فارسی به کسی خبر خوشی را میرسانیم و اون (به کسی) Dativ هست در زبان آلمانی نیز به همین صورت است ، برای همین است که Jemandem یعنی به کسی در جمله آمده است.

Jemand یک کسی —< Nominativ

Jemandem یک کسی را —< Akkusativ

Jemandem به کسی ، از کسی ، برای کسی -< Dativ

کاربرد سوم : وقتی که کسی را همراهی میکنیم یا همراه کسی میرویم یا کسی را به جای میرسانیم

Er hat das Mädchen nach Hause gebracht

او (مذکر) آن دختر را (تا) خانه همراهی کرد یا برد رساندش

تفکر آلمانی : او آن دختر را به سمت خانه همراهی کرد

کاربرد چهارم : استفاده اصطلاحی ، یعنی می تواند در جملات معانی مختلفی در زبان فارسی بدهد و اینها

اصطلاحات هستند ، مانند مثال های زیر :

Das bringt mir Viel neues

آن خیلی چیزهای جدیدی به همراه خودش دارد

تصویر سازی در فارسی : فرض کنید من چیز زیادی از اینترنت و کامپیوتر نمیدانم ، بعد شما برای اولین بار می خواهید به من نشان بدهید که چگونه می شود با یک کامپیوتر و اینترنت کار کرد ، این برای من می تواند چیزهای جدیدی به همراه داشته باشد زیرا من قبل از آن اطلاعاتی در آن زمینه نداشته ام.

پس هرگاه اگر چیزی را نمیدانستید و کسی داشت به شما یاد میداد ، می توانید از جمله بالا استفاده کنید.

اما گاهی بر عکس این اتفاق می افتد و من اطلاعات کافی از کامپیوتر و اینترنت دارم آنگاه می توانم بگویم :

Das bringt mir gar nichts!

آن اصلا هیچ چیزی را به همراه ندارد

چیزی که تو داری توضیح میدی برای من جدید نیست و من خودم آنرا میدانم

همچنین ما می توانیم بگوییم :

Das bringt mir was!

این کمک به من میکنه!

چون چیزی را به همراه خودش دارد

Das bringt Probleme!

آن مشکلاتی به همراه خواهد داشت

Das bringt!

این محشره ، این فوق العاده اس ، این عالیه ، این بی نظیره

Das hat mir nur Nachteile gebracht

اون برای من فقط ضرر به همراه داشته

کاربرد پنجم : با افعال دیگر ترکیب شود و معانی آوردن را بدهد.

دیدید ما در فارسی میگوییم : تو اشک مرا در آوردی یا اینکه تو خنده مرا در آوردی ، یا تو منرا در یک موقعیت بدی قرار دادی ، تو منرا ناراحت کردی و

تمام جملات بالا را می توانیم با ترکیب فعل bringen با افعال و اسامی بسازیم ، به مثال های زیر توجه کنید :

Du wirst mich noch zum Weinen bringen

تو می خواهی گریه مرا نیز در بیاوری

Du kannst nicht mich zum Lachen bringen

تو نمی تونی خنده منرا در بیاوری

Ich wollte dich nicht zu schlechten Gefühle bringen

تفکر آلمانی : من نمی خواستم تو را به احساسات بد بیاورم

تفکر فارسی : من نمی خواستم احساسات بدی در تو ایجاد کنم

Ich wollte dich nicht zu schlechten Gedanken bringen

تفکر آلمانی : من نمی خواستم تو را به تفکرات بد بیاورم

تفکر فارسی : من نمی خواستم فکر و خیال های بدی در تو ایجاد کنم

Du hast mich in eine peinliche Situation gebracht

تفکر آلمانی : تو منرا در یک موقعیت شرمندگی یا شرمساری آوردی

تفکر فارسی : تو باعث شدی که من احساس شرمندگی بهم دست بده

بیچاره خارجی ها که باید فارسی یاد بگیرند ؟ احساس شرمندگی به من دست داد دو تا هم ماچم کرد؟ روانی میشه طرف ؟

Du bringst mich in eine peinliche Situation

تفکر آلمانی : تو داری مرا در یک موقعیت شرمندگی یا شرمساری می آوری

تفکر فارسی : داری کاری میکنی که احساس شرمندگی کنم

Du bringst mich in Verlegenheit

تفکر آلمانی : تو داری مرا در وضعیت ناگوار می آوری

تفکر فارسی : تو داری در من احساس درماندگی و خجالت ایجاد میکنی

Jemanden zum Reden bringen

کسی را به حرف در آوردن

Jemanden zum Schweigen bringen

کسی را به سکوت آوردن ، کسی را به سکوت دعوت کردن

Jemanden zur Ruhe bringen

کسی را به آرامش آوردن ، کسی را آرام کردن

Jemanden zur Verzweiflung bringen

کسی را آدم حساب نکردن ، کسی را تحویل نگرفتن ، کسی را زیر نظر نیاوردن

کاربرد ششم : به عنوان هدیه یا کادو چیزی را برای کسی ببریم

Jemandem ein Ständchen bringen

برای کسی یک گروه موسیقی را به جلوی درب خانه اش ببریم.

شاید در فیلم ها دیده باشید که یک آقا برای به دست آوردن دل همسرش یا دوست دخترش در شب تولد آن یا سالگرد ازدواجشان یک گروه موسیقی کوچک به همراه خودش به درب منزل آن خانم می برد و آنها شروع میکنند به نواختن و آن خانم از پشت پنجره برای دیدن این صحنه شاد می شود ، تمام این توضیحات در لغت Das Ständchen نهفته است :

Ich bringe dir zum Geburtstag eine Blume als Geschenk

من برای تولدت یک گل به عنوان هدیه به ارمغان می آورم

Ich will dir ein Dankeschön bringen

من تمایل دارم یک هدیه برای تشکر برایت به ارمغان بیاورم

که این هدیه می تواند یک کارت پستال یا یک گل و ... نیز باشد ، چیزی برای تشکر می خواهم برایت بیاورم

Ich soll dir viele Grüße bringen

من می بایستی برایت درود های فراوانی به ارمغان بیاورم.

موفق باشید.

Viel Erfolg